

بسم الله الرحمن الرحيم

دل نوشته‌ی زیارت آل یاسین

۱۸ بهمن ۹۰

سلام، رمزِ آشنایی با خلقت است و آغازِ محبت، برای آنکه قلب‌ها پیوندِ خود را به‌وسیله‌ی آن بیان می‌کنند و سلام، نام جلاله‌ای است که همواره در لحظاتِ زمین جاری است و لحظه‌ها از این نامِ جلاله جان گرفته‌اند. سلام، آغاز است، آغازی که قلب‌ها تپش را از آن آموخته‌اند و زندگی را آغاز کرده‌اند پس سلام بر آل یاسین، آل طاهّا، آل رسول الله، حضرت محمد (ص) که آلِ او مصداقِ آیه‌ی تطهیر هستند که پروردگار فرمود: خاندان تو را از رجس و پلیدی پاک کردم و آن‌ها همان انوار قرآن کریم هستند، انوارِ سُوَرِ آیات الهی پس سلام بر سور نورانی قرآن کریم، سلام بر مولا و امام بر حق که آشنا و آگاه بر نشانه‌های صراطِ مستقیمی است که به رضایتِ خداوند ختم می‌شود.

سلام بر شما ای ولی و خلیفه و سرپرست دینِ خدا بر روی زمین و آخرین حجت و مجری اراده‌اش؛ سلام بر شما ای تلاوت کننده‌ی قرآن کریم و تفسیر کننده‌ی بطنِ مکنون آن؛ سلام بر تمام لحظه‌ها و دقایقتان در طولِ شب‌ها که با ذکر و مناجات و دعا روشن‌تر از روز است؛ سلام بر سرتاسر روزهایتان که به اطاعت و فرمان‌برداری از حق تعالی و تدبیر و هدایت خلقِ او سپری می‌شود؛ سلام ای گنجینه‌ی ذخیره‌شده‌ی رحمت و نعمت خدا که نگهداری شده‌ای برای مؤمنین. وعده‌ی خداوند انجام‌شدنی است چون وعده‌ی او حق است و خلف وعده نمی‌کند؛ سلام بر شما ای پرچمِ برافراشته بر قلعه‌ی مرتفعِ علم و دانشِ حقیقی و خدایی. ای دادرسِ مظلومان و یاورِ درماندگان و منجیِ غرق‌شدگان در جهالت و تباهی؛ سلام بر شما ای رحمتِ واسعه‌ی حق که بر جهان گسترده شده است؛ سلام بر شما آن هنگام که بپا می‌ایستید، کوه‌ها به استواری و قوت قدم‌هایتان غبطه می‌خورند؛ سلام بر شما هنگامی که می‌نشینید بر مسندِ رهبری و قضاوت که عدالت از شوق، در برابر شما سر تعظیم فرود می‌آورد و حکم می‌کنی به فرامینِ حق که فقط شما به تفسیر واقعی آن‌ها عالم هستید؛ سلام بر نمازتان که سرشار از نیازِ عارفانه و عاشقانه است و در قنوت طولانی‌اش هدایت و

نجاتِ خلق از گمراهی و آتش را از خداوند رحیم می‌خواهید؛ سلام بر زمانی که آن قامت زیبای همچون سرو را با تمام خضوع و مهر و نیاز به رکوع خم می‌کنید و آن هنگام که پیشانی بلندتان که خورشیدی فروزان‌تر از خورشید و مهتابی‌تر از ماه است را با خشوع و افتادگی بی‌نظیری به سجده بر خاک می‌گذارید؛ سلام بر شما در آن موقعی که با تمام وجودِ مطهر و پاک و بی‌آلایش از هرگونه پلیدی‌تان کلمه‌ی لا اله الا الله را بر زبان جاری می‌کنید که هر چیز و هر کس که بوی شرک می‌دهد پوسیده و دچار تباهی می‌شود سلام بر شما هنگامی که نور پر فروغ خارج شده از آن دهان مبارکتان به واسطه‌ی گفتن کلمه‌ی طیبه‌ی تکبیرِ الله اکبر روح و نورِ خورشید را بی‌فروغ می‌کند؛ درود و سلام بی‌شمار بر شما ای آرزوی عاشقانه‌ی هر منتظر.

من گواهی می‌دهم و شما را که امام، مولا و ولی من هستید را شاهد می‌گیرم که نیست معبودی جز خداوند یگانه که شریک ندارد و گواهی می‌دهم که حضرت محمد مصطفی (ص) خاتم انبیاء و بنده و رسولِ خداوند متعال است و نزد من محبوب‌تر و گرمی‌تر از او و خاندان پاکش کسی وجود ندارد و گواهی می‌دهم که امیر مؤمنان علی (ع) و همه‌ی امامان بعد از او حجت و ولی و امام بر حق هستند که آخرین آنان شماست که ایمان و اطمینانی با تمام وجود دارم که ظهور شما حتمی است و به این گواهی شما را شاهد می‌گیریم چون پس از ظهور، گواهی بر این مهم پذیرفته نیست و همچنین گواهی می‌دهم مرگ و سؤال در شب اولِ قبر حق، هم‌چنین زنده شدن در قیامت و گذشتن از صراط و حسابرسی حق و بهشت و جهنم و آیاتی که به تشویق و تهدید در این مورد در قرآن کریم آمده است حق است پس سرور و مولای من، در آن روز وای بر احوال کسی که با شما مخالفت نموده و خوشا بر حال کسی که از شما پیروی و فرمان‌برداری نموده؛ مولای من، در آن روز گواهی بده که من همیشه شما را دوست داشتم و هر کس و هر چیزی را که شما دوست داشته‌اید که آن حق بوده را دوست داشتم و به هر کاری که دستور می‌دادید و رضایت داشتید که رضایت خدا و صلاحِ خلق خدا نیز در آن بوده به انجام آن‌ها سعی داشته‌ام و از دشمنانتان و از باطلین بیزار بوده‌ام و ایمان دارم به یگانگی خداوند متعال و پیامبری رسولش و ولایتِ ولی او و آماده‌ام که در رکاب شما فرمان‌برداری کنم.

سرور و مولای من، سالهاست این دعا را با سلام‌هایش به عربی می‌خوانم، فکر می‌کردم که معنی سلام که آشنایی و رفاقت و هم سوئی است را می‌دانم ولی اکنون متوجه شدم که این‌طور نیست زیرا سلام می‌دهم به شب‌ها و روزها و نماز و رکوع و سجده و لا اله الا الله شما، درحالی‌که با آن‌ها غریبه‌ام زیرا شب‌هایم به غفلت و خواب و روزهایم به غیبت و گناه و نمازهایم به سستی و تأخیر و قضا می‌گذرد؛ شما نور رکوع و سجودتان جهانی را روشن می‌کند درحالی‌که نور نماز من دل خودم را هم روشن نمی‌کند؛ لا اله الا الله می‌گویم ولی توکل و خواسته‌ام به غیر از آن است، سلام می‌دهم ولی درک نمی‌کنم به چه چیزی و به چه کسی؛ سلام می‌دهم بر رهبری که مانند جد بزرگوارش دعوت‌کننده به سوی نور است اما دعوت به چه معناست؟ آیا من را کسی دعوت کرده تا با اجابت آن به امام آسمانی خود سلام کنم؟ اگر معنی دعوت، اجابت است معنای آن این است که او به من می‌گوید بیا و من هم می‌آیم آنگاه کلماتی را می‌خوانم که به آن‌ها یقین دارم، یقین دارم به حاکمی که مانند حاکمان نیست بلکه حاکم ملک وجود است، نور است و نمی‌تواند از جنس دیگری باشد. در ادامه سلام می‌دهم بر حجت‌ها و دلیل‌هایی که مرا به مقصد می‌رساند؛ کدام دلیل‌ها؟ دلیل‌ها و حجت‌هایی که در دعای آل یاسین به آن‌ها سلام می‌کنم و در دعای ندبه با (این‌ها) به دنبالشان می‌گردم. اگر سلام‌هایم را شما جواب گفتید پس دنبال شما گشته‌ام و پیدایتان کرده‌ام و خواسته‌ام که با شما همراه باشم. آیا با وجودم و عملم، از آن حجت‌ها و دلیل‌ها همراهم دارم؟ آیا با آن‌ها آشنا شده و خود را تربیت کرده‌ام و یا فقط با خواندن دعاها خود را سرگرم کرده و به بازیچه مشغول بوده‌ام؟ اگر این‌گونه بوده پس وای بر من و باورهای من که خواندن کلمات عربی را برای خود امتیاز و ثواب می‌دانم درحالی‌که به معنی حرفی که سالهاست تکرارش می‌کنم و کاری که انجام می‌دهم نمی‌اندیشم.

اما مولای من، از امروز تصمیم دارم هر بار که قصد خواندن دعای آل یاسین را دارم به این نوشته فکر کنم و سعی نمایم خودم و عملم را با این دعا همراه کنم تا لیاقت سلام دادن و جواب شنیدن از شما را پیدا کنم تا هم خدا از من راضی شود و هم شما سرور

و امام را از خودم خشنود نمایم چون به یک چیز یقین و اطمینان دارم و آن این است که عاشقانه شما را دوست دارم و تقاضا می‌کنم که مرا یاری کنید.

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com